

تحلیل سیاست خارجی امارات متحده در قبال ایران در چارچوب نظری حصار استراتژیک

محسن رستمی^۱

محمد رضا محمدی^۲

احسان رعنائی^۳

چکیده

امارات متحده عربی از زمان تأسیس در ۱۹۷۱، همواره سیاست حفاظ استراتژیک و گسترش تجارت و دیپلماسی گسترده، در کنار حفظ روابط با ایران و اتحاد با عربستان سعودی و آمریکا، همراه با توسعه توانایی‌های نظامی و امنیتی خود را در دستور کار قرار داده است. اما پس از وقایع ۲۰۱۱ در خاورمیانه این کشور نوعی استراتژی توازن را در روابط خود با ایران در پیش گرفت. سؤال اصلی این است که سیاست خارجی امارات متحده در قبال ایران چیست؟ پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی از منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده و مطالعه بر اساس چارچوب نظری حصار استراتژیک است. یافته مطالعه این است که حصار استراتژیک امارات متحده عربی در قبال ایران نیازمند به حداکثر رساندن بازده سیاسی و اقتصادی از همکاری با ایران و کاهش دامنه خطرات امنیت ملی بدون قطع روابط پیگیر و سودمند با سایر قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی است. از همین رو، سیاست خارجی امارات متحده عربی در قبال ایران شامل موازنه نرم و سخت بوده است.

کلمات کلیدی: ایران، امارات متحده عربی، حفاظ استراتژیک، تعادل سخت، تعادل نرم

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی

^۲ دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه مازندران، بابلسر. ایران (نویسنده مسئول)

Mohammadrezamohammadi13681989@gmail.com

^۳ دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه مازندران، بابلسر. ایران

مقدمه

سابقه‌ی تشکیل امارات متحده عربی به‌عنوان یک دولت فدرال به سال ۱۹۷۱ و پس از خروج انگلیس از خلیج فارس بازمی‌گردد. پیش از آن و در طول قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم این مناطق به نام دولت‌های مصالحه معروف بودند. جمعیت این شیخ‌نشین‌ها در آغاز قرن بیستم ۱۰۰ هزار نفر و در زمان استقلال ۵۰۰ هزار نفر بود (Rugla, 2007: 4). امارات از هفت شیخ‌نشین تشکیل شده است اما بین این هفت امارت علیرغم مشابهت‌های زیاد، تفاوت‌هایی نیز وجود دارد این تفاوت‌ها هم از حیث جغرافیایی و هم از حیث انسانی خود را نشان می‌دهند. یکی از این تفاوت‌های اختلاف سطح زندگی در آن‌هاست. درحالی‌که ابوظبی و دوبی ثروتمندتر هستند، در سوی دیگر امارات، فجیره، رأس الخیمه و ام‌القرین قرار دارند که ثروت کمتری دارند. در این میانه، دو امارت عجمان و شارجه قرار دارند که به دلیل نزدیکی به دوبی از امکانات آن استفاده می‌کنند (صفوی، ۱۳۹۵: ۱۹).

سیاست خارجی امارات متحده عربی از بدو تأسیس در قبال ایران، بیشتر بر اساس واقع‌گرایی و پذیرش قدرت ایران در منطقه استوار بوده است. محدودیت‌های ساختاری مانند وسعت و جمعیت پایین، ساختار قبیله‌ای، تمرکز ثروت در چند شهر محدود، باعث آسیب‌پذیری ذاتی امارات عربی متحده در برابر قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران و عربستان سعودی شده است. اما در عین حال به‌رغم پیوند عمیق دینی میان ایرانیان و اعراب، به لحاظ مذهبی و زبانی، تفاوت‌ها و تمایزهای زیادی میان آن‌ها وجود دارد. هم‌جواری ایران با کشورهای عربی به تقویت آسیب‌پذیری آن‌ها از یکدیگر و در مواردی، به همسویی و در دیگر موارد، به تشدید تعارض منافع میان آن‌ها منجر شده است. بنابراین شاهد آن بوده‌ایم که در برهه‌هایی، کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس، از موضع محافظه‌کارانه خود در قبال ایران فاصله گرفته و بعضاً با تغییر استراتژی، به تنش‌افزایی با ایران پرداخته‌اند. امارات متحده از جمله کشورهایی است که پس از سال ۲۰۱۱، و با اوج‌گیری نهضت‌های عربی در منطقه، با تغییر سیاست خارجی خود در قبال ایران، موضعی خصمانه را در برابر تهران در

پیش گرفت. موضوعی که به نظر می‌رسد اخیراً مجدداً تغییر کرده و به سمت بهبود روابط با ایران تغییر مسیر داده است.

رویکرد غالب در مطالعه کشورهای عربی خلیج فارس به طور عام و امارات متحده عربی به طور خاص بازمی‌گردد. بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در این مورد در قالب رشته روابط بین‌الملل و در چارچوب‌های ذهنی و مفهومی این رشته می‌گنجد. برای مثال می‌توان به موضوعاتی از قبیل ژئوپلیتیک خلیج فارس، رابطه کشورهای عربی خلیج فارس با قدرت‌های بزرگ، سامانه‌ی امنیتی در منطقه خلیج فارس، امنیت انرژی در خلیج فارس، استراتژی قدرت‌های بزرگ در مورد کشورهای عربی خلیج فارس، پیوندهای سیاسی - امنیتی و خریدهای نظامی کشورهای عربی - خلیج فارس از کشورهای غربی و ... اشاره کرد. بیشتر این مباحث در چارچوب رشته روابط بین‌الملل ژئوپلیتیک و علوم استراتژیک جای می‌گیرند. این در حالی است که بخش زیادی از آنچه در هر یک از کشورهای این منطقه می‌گذرد، مربوط به تحولات داخلی آنهاست. اگر این مسئله را بپذیریم، باید گفت برای فهم بسیاری از موضوعات مانند سیاست و حکومت، رابطه مردم و دولت‌ها، چگونگی نظام رانتیر، افکار عمومی و نقش آنها و ... نیازمند بهره گرفتن از علوم همچون اقتصاد سیاسی، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی هستیم (صفوی، ۱۳۹۵: ۱۵-۱۷). در این پژوهش تلاش خواهد شد تا به سیر تحولی استراتژی امارات متحده عربی در قبال ایران، به خصوص پس از وقایع ۲۰۱۱ خاورمیانه پرداخته و استراتژی توازن در روابط ابوظبی با ایران پرداخته شود سؤال همچنین فرضیه تغییر مجدد سیاست‌های امارات در قبال ایران نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این مقاله به بررسی چگونگی و چرایی این موضوع خواهد پرداخت و بررسی می‌کند که اصلی این است که سیاست خارجی امارات متحده در قبال ایران چیست؟ فرضیه مقاله این است که سیاست خارجی امارات متحده عربی در قبال ایران شامل موازنه سخت و نرم است.

چارچوب نظری: حصار استراتژیک

اگرچه رفتارهای احتیاطی در سیاست خارجی کشورها موضوع تازه‌ای نیست، این استراتژی نشان داده است که بسیاری از کشورها، خواه قدرت‌های کوچک، در حال ظهور و یا بزرگ، به‌عنوان جایگزین سوم برای رویارویی مستقیم یا وابستگی بیش‌ازحد به کشورهای قوی‌تر، به ایجاد حفاظ استراتژیک یا مصون‌سازی استراتژیک روی می‌آورند. این مصون‌سازی محدود به دولت‌ها نیست و در روابط فردی نیز قابل مشاهده است. در واقع زمانی که افراد تصمیم می‌گیرند از خود در مقابل حوادث محافظت کنند، خود را بیمه می‌کنند. این کار افراد باعث نمی‌شود که آن اتفاق ناگوار به سراغ آن‌ها نیاید، اما اگر آن اتفاق بیافتد و افراد به‌طور کامل خود را بیمه کرده باشند، هزینه‌های آن اتفاق ناگوار به‌طور چشمگیری پوشش داده خواهد شد. با این رویکرد؛ در روابط بین‌الملل، حصار استراتژیک، یک راهبرد مختلط از همکاری و تضاد است که به ابزار قدرت نرم متکی است (Boon, 2012; Koga, 2017; Tessman, 2016). این استراتژی ترکیبی از سیاست‌هایی است که از یک سو مکانیسم‌های تعامل و تنش، و از سوی دیگر بر توازن به سبک واقع‌گرایانه تأکید می‌کند. در این راستا، دولت (معمولاً کوچک) برای جلوگیری از تهدید یا مشارکت در درگیری‌های نابرابر (تعادل نرم) با دولتی که آن را منبع تهدید قدرتمند می‌پندارد، همکاری می‌کند (Gindarsah, 2019). درعین حال، عناصر توازن سخت در برابر کشور منشأ تهدید، مانند همکاری با نیروهای رقیب این کشور و افزایش توانایی‌های نظامی و غیرنظامی خود را گسترش می‌دهد. سلمان، استاد دانشگاه قاهره معتقد است که عنصر اساسی در درک این استراتژی ترکیبی این است که دولت موردنظر اساساً در تلاش است تا "تهدیدات را به سمت ثبات کاهش دهد و درعین حال در جهان آنارشیک، پویا باقی بماند". درواقع، انگیزه دولت در اینجا به دست آوردن مزایای مادی یا تغییر وضعیت نسبی نیست، بلکه تأمین امنیت خود است. در چنین شرایطی کشورها برای اطمینان از تأمین امنیت

خود، قابلیت‌های همکاری با رقبای کشور منشأ تهدید را افزایش می‌دهند (Salman and Geeraerts, 2015).

در سلسله‌مراتب قدرت، کشورهای مختلفی از حصار استراتژیک به‌عنوان گزینه‌ای برای برقراری هم‌زمان تعادل سخت و تعادل نرم استفاده می‌کنند. شروود^۱ معتقد است شیوه‌ی کشورهای کوچک در سیستم بین‌المللی معمولاً بیانگر این موضوع است که آن‌ها فاقد عناصر امنیتی قدرتمند و نفوذ منطقه‌ای هستند و برای جبران فقدان این عناصر در روابط خارجی به قدرت‌های بزرگ متوسل می‌شوند (Sherwood, 2016). از آنجا که این کشورها نمی‌توانند استراتژی‌های متعادل را دنبال کنند، این امر منجر به تحریک مستقیم دولت منشأ تهدید است. بنابراین، اکثر محققان روابط بین‌الملل بر این باورند که بی‌طرفی بهترین گزینه برای کشورهایی با این خصوصیت است (Tessman, 2012). نمونه آن در مورد کشورهای کوچک حاشیه‌ی خلیج فارس است که در منطقه‌ای پرتنش و در جوار قدرت‌هایی چون ایران، عربستان سعودی و ترکیه حضور دارند و همواره با تردیدهای امنیتی عمیقی دست‌به‌گریبان هستند به سر می‌برند، برقراری سیاست بی‌طرفی چندان عملی نشده است. به همین دلیل است که محققان، حصار استراتژیک را "راه هوشمندانه" برای جبران کوچکی دولت با محدودیت‌های به‌کارگیری قدرت سخت برای پیشبرد سیاست خارجی خود می‌دانند (Sherwood, 2016).

برای کشورهای کوچک، که با قدرت‌های عمده‌ی منطقه‌ای روبرو هستند، استراتژی تهاجمی راهبرد منطقی و مناسبی به نظر نمی‌رسد. علیرغم واقعیت‌های ساختاری قدرت در سیاست جهانی، حصار فضای مشخصی را برای یک کشور کوچک فراهم می‌کند تا از قدرت نسبی برای دستیابی به استقلال در راستای سیاست خارجی خود استفاده کند (Guzansky, 2015). نمونه‌ی بهره‌گیری از این راهبرد، سیاست کشورهای جنوب شرقی آسیا به‌ویژه سنگاپور، ویتنام و تایلند در قبال چین در جهت توسعه یک سیستم منطقه‌ای

^۱ Sherwood

جدید است (Medeiros, 2005-06). کشورهای کوچک همچنین وقتی می‌خواهند روابط متعادل با دو قدرت اصلی را حفظ کنند، به این استراتژی روی می‌آورند. این وضعیت در مورد کشورهای اقیانوس آرام در رابطه با ایالات متحده و چین صادق است. در مجموع، این استراتژی به کشورهای کوچک انگیزه می‌دهد تا از طریق ایجاد اتحاد، افزایش توانایی‌های نظامی و همکاری با دولت منشأ تهدید، امنیت خود را تأمین کنند و از عواقب معضل امنیتی بر حذر بمانند (Sherwood, 2016). در ادامه باید گفت که بدیهی است که پس از پایان جنگ سرد، کشورها به‌ندرت به بهره‌گیری از یک استراتژی واحد گرایش داشته‌اند و در بیشتر دوره‌ها ترکیبی از هر دو را در سیاست خارجی خود دنبال کرده‌اند. با این حال، نمی‌توان گفت که این ترکیب به معنی "استراتژی حصار" در سیاست خارجی بوده است (Tessman, 2012). این ترکیب استراتژی اقدامی فعال از جانب دولت برای جلوگیری از برخی سناریوهای نامطلوب است. به‌طور کلی می‌توان گفت آناارشی بین‌المللی و توازن سخت، که افزایش توانایی‌های دفاعی و تهاجمی استراتژیک (توازن داخلی) را ایجاد می‌کند و از طریق تولید مداوم و توسعه‌ی سلاح‌های متعارف و غیرمتعارف از جمله قابلیت‌های هسته‌ای، افزایش بودجه‌های نظامی دولت‌ها، تدوین سیاست‌های دفاعی، توسعه فناوری و سلاح‌های نظامی، تغییر دکترین نظامی و توسعه اقتصادی و همچنین پیوستن به اتحادهای نظامی و امنیتی (توازن خارجی) وضعیت هدف را به وجود می‌آورد (Gindarsah, 2019). بر اساس نظریه‌ی توازن قدرت، توازن سخت منطقی‌ترین رفتار قدرت‌های بزرگ به‌ویژه در وضعیت آناارشی جهانی و محیطی رقابتی است. اما کشورهای کوچک در این سیستم تمایل دارند وضعیت خود را بهبود بخشند، بنابراین به توازن خارجی متوسل شده و با سایر اعضای قدرتمند متحد می‌شوند (Boon, 2016).

بررسی سیاست خارجی امارات بر اساس حصار استراتژیک

بر اساس چارچوب حصار استراتژیک می‌توان سیاست خارجی امارات را در دو بخش موازنه نرم و سخت مورد توجه قرار داد:

موازنه نرم و متعادل: طی دهه‌های اخیر، رهبری امارات روابط خود را با دوستان و متحدان خود در داخل و خارج از شورای همکاری خلیج فارس گسترش داده است. طی این دوره، حاکمیت امارات بر رویکرد نرم یا رویکرد "دیپلماسی نرم" در سیاست خارجی تمرکز داشته است (BMI, 2015). امارات متحده عربی در این رویکرد، سیاست خارجی خود را عمدتاً بر "دیپلماسی آرام" قرار داد، که در آن دولت به‌طور فزاینده‌ای به شبکه‌های مالی، از جمله برنامه‌های کمک‌های خارجی و ابزارهای دیپلماتیک، وابسته بود، علاوه بر این شبکه گسترده‌ای از روابط شخصی با سیاست‌گذاران کلیدی در سراسر جهان دارد. به عبارت دیگر، از نخستین روزهای استقلال، امارات سعی در استفاده از منابع مالی و قدرت نرم و توسعه برای ایجاد دوستی بین‌المللی، ترویج چشم‌اندازهای ملی، دفاع از منافع و تقویت شهرت خود، به‌ویژه در کشورهای عربی و مسلمان داشته است. همه‌ی این ابزارها بدون استفاده از نیروی نظامی در دستیابی به اهداف سیاست خارجی امارات کمک کرده‌اند. امارات متحده عربی مشتاق بهره‌گیری از ابزارهای نهادی برای حفظ نظم منطقه‌ای و همچنین جلوگیری از آنچه مهار ایران می‌دانست بود. بنابراین، در سال ۱۹۸۱ برای آنچه دفاع از امنیت منطقه‌ای و ثبات در مقابل تهدیدات متصور از جانب ایران و درگیری‌های منطقه‌ای بود، به ایجاد شورای همکاری خلیج کمک کرد (Al-Mashat & Ibish, 2017).

موازنه سخت: در کنار موازنه نرم، امارات متحده عربی همواره به دنبال افزایش توانایی‌های نظامی خود بوده است. ذخایر عظیم نفتی امارات متحده عربی، رهبری این کشور را قادر ساخت تا هزینه‌های نظامی را افزایش دهد. قابلیت‌های استراتژیک نیروهای مسلح، با

واردات گسترده‌ی سلاح از شرکای غربی، عمدتاً ایالات متحده، فرانسه و آلمان، و همچنین پیشرفت‌هایی در تولیدات بومی نظامی با هزینه‌های سنگین به پیش رفت. با این وجود، با توجه به نبود کارکنان واجد شرایط و آموزش لازم برای اجرای چنین سخت‌افزارهای پیشرفته، قدرت نظامی امارات متحده عربی همچنان ضعیف شناخته می‌شود. به عنوان مثال، این کشور در سال ۲۰۰۰، ۸۰ فروند هواپیمای اف-۱۶ آمریکایی را خریداری کرد، و موفق شد کیت‌های مهم حمله مستقیم^۱ در داخل تولید کند. این کشور همچنین تا سال ۲۰۰۸، چند سیستم پیشرفته‌ی توپخانه‌ای با تحرک بالا (HIMARS) را از ایالات متحده خریداری کرد (Katzman, 2019). این کشور همچنین تانک‌های نبرد سنگین را از شرکت "نکستر" فرانسه تهیه کرده است و در همان زمان موفق به به‌روزرسانی این تانک‌ها در خاک امارات شد. نسخه‌های اماراتی این تانک فرانسوی، با قابلیت زرهی و قدرت مانور بیشتر در شرایط کویری و سلاح‌های به‌روز شده، از کارایی بالاتری برخوردار است. خرید جنگنده‌های میراژ ۲۰۰۰ فرانسه، موشک‌های زمین به هوای هوک انگلیسی، هلیکوپترهای سیکورسکی بلک هاک و حدود ۳۰ فروند اسلحه آپاچی آ.اچ.۶۴ به تقویت قابلیت‌های نیروی هوایی این کشور کمک کرد (Davidson, 2009). در همین راستا امارات سعی می‌کند با ساخت ناوچه‌ها و برخی ادوات کوچک و مینی زیردریایی‌های دونفره با همکاری فرانسه، در تأسیسات دریایی موسفا (واقع در ابوظبی)، تا حدودی به جبران کوچکی اندازه نیروی دریایی خود بپردازد (Davidson, 2009). اگرچه نیروهای مسلح امارات متحده عربی به تازگی تأسیس شده و هنوز در دست توسعه است، اما متعهد شده که تمام تجهیزات نظامی را که توسط سرمایه‌گذاری‌های مشترک بین شرکت‌های تسلیحاتی غربی و شرکت‌های داخلی ساخته می‌شود، خریداری کند. گفتنی است بین سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۹، ابوظبی به چهارمین خریدار بزرگ سلاح در جهان تبدیل شد (Mason, 2018).

^۱ موسوم به JDAM که بمب‌های گرانشی را به بمب‌های هدایت‌شونده دقیق تبدیل می‌کند

امارات به دنبال تنوع مشارکت‌های دفاعی خود، در چارچوب "ابتکار استانبول" در سال ۲۰۰۴، همکاری گسترده‌ای را با سازمان پیمان آتلانتیک شمالی آغاز کرد. این کشور در سال ۲۰۰۸ توافق‌نامه‌ای را با فرانسه امضا کرد تا امکان حضور حدود ۴۰۰ کارکنان نظامی فرانسه در اردوگاه نظامی ابوظبی را فراهم کند. قرارداد همکاری دفاعی با هند را در سال ۲۰۱۵ منعقد کرد و در سال ۲۰۱۷ "توافق‌نامه همکاری جامع استراتژیک" با دهلی را امضا کرد. علاوه بر موارد فوق کانال‌های جدید همکاری نظامی با روسیه و ترکیه و آفریقای ایجاد اضافه کرده است.

ایالات متحده دارای پایگاه‌های عملیاتی و موافقت‌نامه‌های دفاعی و همکاری نزدیک نظامی و اطلاعاتی با امارات است (Ibish, 2017). این امر ابوظبی را به یکی از مهم‌ترین متحدان عرب خلیج فارس برای آمریکا تبدیل کرده است. لازم به ذکر است در سال ۱۹۹۴، "توافق‌نامه همکاری دفاعی" میان ایالات متحده آمریکا و امارات متحده عربی امضا شد و مسیر جدیدی در همکاری‌های دوجانبه میان این دو کشور شکل گرفت. امارات متحده عربی همچنان به خرید تجهیزات نظامی مدرن ادامه داده است. در سال ۲۰۱۳، ۳۰ فروند اف-۱۶ دیگر دریافت کرد و تجهیزات نبرد هوا به زمین را به لیست ادوات پیشرفته‌ی نظامی خود اضافه کرده است. در سال ۲۰۱۵، این مهمات با هدایت دقیق واحدهای بمب‌افکن جی.بی.یو-۱۳ در یمن مورد استفاده قرار گرفت (Katzman, 2018). در عین حال حضور گسترده‌ی نظامی و دریایی ایالات متحده در امارات در پایگاه هوایی الظفره و بندر جبل‌علی جریان دارد (Katzman, 2019). ابوظبی از سال ۲۰۱۴ "گفتگوهای استراتژیک مشترک" با واشنگتن را آغاز کرده است. این کشور در اجلاس سران ایالات متحده و شورای همکاری خلیج فارس در کمپ دیوید در ماه مه سال ۲۰۱۵ شرکت کرد، نشستی که ایالات متحده مجدداً بر تعهد خود در مورد امنیت خلیج فارس تأکید کرد و خواستار ایجاد یک فرآیند همکاری جدید استراتژیک فی‌مابین طرفین شد. در ماه مه ۲۰۱۹، ایالات متحده و امارات از اجرای پیمان جدید همکاری پدافندی به مدت

۱۵ سال خبر دادند که این امر موجب تقویت پایگاه‌های نظامی آمریکا و افزایش مانورهای نظامی مشترک آمریکا و امارات متحده می‌شود (Mason, 2018). از سال ۲۰۱۰ به بعد، ابوظبی بر روی توازن داخلی، همچنین تقویت و نوسازی توانایی‌های نظامی خود تمرکز داشته است (Hernandez, 2019). در سال‌های اخیر امارات متحده عربی برنامه‌ای جامع از نوسازی و به‌روزرسانی ادوات نظامی خود را دنبال کرده است که کلیه شاخه‌های نیروی دریایی، هوایی و زمینی را با جدیدترین سلاح‌های پیشرفته پوشش می‌دهد. این کشور توانسته است یک سیستم دفاعی هوایی و موشکی به‌روز بسازد که دارای پیشرفته‌ترین سیستم‌های دفاع هوایی آمریکایی (PAC-3) است. این کشور از ماه مه ۲۰۱۴ برای افزایش نیروی انسانی نیروهای مسلح خود به اجرای برنامه اجباری استخدام متوسل شده است. امارات متحده عربی به‌طور جدی تحول استراتژی دفاعی خود را به یک رویکرد شبکه محور برای نیروهای مسلح خود دنبال می‌کند (Katzman, 2019). به این ترتیب، برای نیروهای مسلح امارات متحده عربی موقعیت مناسبی فراهم شده است تا بتوانند از طریق راهبردی استراتژیک و هدفمند، به یک نیروی شبکه‌ای و برنامه‌مند تبدیل شوند، جایی که موقعیت‌یابی دقیق، شبکه ارتباطی هوایی امن، پایگاه‌های واکنش سریع و قابلیت‌های هدف‌گذاری بدون خطا، محقق می‌شود. امارات متحده عربی همچنین تغییراتی در دکترین نظامی خود ایجاد کرد. در دکترین جدید نظامی این کشور، توسل به زور برای "تأمین منافع حیاتی" معجز شناخته شده است، و ظرفیت‌های قدرت سخت را هم‌زمان با رویکردهای قدرت نرم سنتی خود مستقر کرده است. به عبارت دیگر، "سیاست دفاعی" خود را به "اول قدرت نظامی" تبدیل کرد (Mason, 2018, 102). این امر در نقش اماراتی‌ها در بحرین، یمن، لیبی و شاخ آفریقا به‌خوبی مشهود است. گفتنی است حضور امارات متحده عربی در یمن با اقدامی یک‌جانبه و حمایت از شبه‌نظامیان جدایی‌طلب، که کنترل جنوب یمن را در دست گرفته‌اند، پیش رفت. این اقدام همچنین به تأسیس بندرها تجاری یا پایگاه‌های دریایی در اطراف خلیج عدن ادامه یافته است تا عمق استراتژیک بیشتری برای ابوظبی

فراهم کند. علاوه بر این، امارات متحده عربی چند پایگاه نظامی در شاخ آفریقا، از جمله جیبوتی، اریتره و مناطقی در سومالی و همچنین پایگاه‌هایی در سیشل و جزیره سُقطری یمن ایجاد کرده است (Kahwaji & Khan, 2014). علاوه بر مداخلات گسترده نظامی خود در یمن، نیروهای امارات متحده عربی در لیبی، سومالی و شمال شبه‌جزیره سینا نیز فعال هستند. امارات متحده عربی در لیبی تلاش‌های گسترده‌ای برای حمایت تمام‌قد از ژنرال حفتر صورت داد. امارات حتی حملات هوایی را در طرابلس انجام داده و سرانجام یک پایگاه هوایی در شرق لیبی تأسیس کرد. در شاخ آفریقا هم، ابوظبی طی چند مرحله، نیروهایی برای آنچه نبرد با دزدان دریایی و مبارزه با افراط‌گرایان خوانده شد، به سومالی اعزام کرد (Katzman, 2019).

امارات متحده عربی از تصمیم شورای همکاری خلیج فارس در مورد دخالت نظامی از بحرین در پی اعتراضات سال ۲۰۱۱ موسوم به بهار عربی حمایت کرد. در حقیقت، رهبری عربستان، امارات و بحرین ماهیت اعتراضات بحرین را به نفوذ منطقه‌ای در حال رشد ایران پیوند دادند. در همین حال، امارات متحده عربی با همکاری عربستان سعودی و قطر از شورشیان سوری پشتیبانی کردند که به دنبال سرنگونی دولت این کشور بودند. آن‌ها خواستار حذف بشار اسد در مجامع بین‌المللی و اختصاص میلیاردها دلار برای مسلح کردن شورشیان شدند. سیاست امارات متحده عربی در سوریه نشان داد که هدف اصلی ابوظبی، محدود کردن حوزه نفوذ ایران، که از بغداد تا بیروت و دمشق امتداد دارد است. امارات مانند بسیاری از بازیگران بین‌المللی، تداوم دولت فعلی سوریه را که وابستگی فزاینده‌ای به ایران، روسیه و حزب‌الله لبنان دارد را به‌عنوان عاملی تهدیدآمیز ارزیابی کردند (Kirkpatrick, 2019). از طرفی امارات عربی پس از ۲۰۱۱، موضع سخت‌گیرانه‌ای نسبت به اسلام‌گرایان در پیش گرفته و همه‌ی گروه‌های اسلام‌گرا از اخوان المسلمین، القاعده و داعش گرفته تا برخی گروه‌های شیعه را جزئی از روند رادیکالیسم می‌داند (Ragab, 2017). در مصر، امارات متحده عربی علیه فرآیند گذار به دموکراسی گام

برداشت و در سال ۲۰۱۳ از کودتای ارتش که موجب سقوط رئیس‌جمهور منتخب اخوانی مصر بود حمایت کرد. در سال ۲۰۱۷، امارات متحده عربی به همراه سه کشور دیگر شورای همکاری خلیج فارس و مصر کلیه روابط تجاری، دیپلماتیک و حتی اجتماعی را با قطر قطع کردند تا فشار را برای قطع حمایت این کشور از اخوان المسلمین افزایش دهند (Ibish, 2017).

حصار استراتژیک امارات متحده عربی در قبال ایران

در تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۷۱ (دو روز قبل از تأسیس امارات متحده عربی) نیروهای بریتانیا جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک را تخلیه کردند و نیروهای ارتش ایران وارد این جزایر شدند. در واقع دولت ایران در آن زمان، پذیرش استقلال امارات عربی متحده را منوط به واگذاری مالکیت این جزایر به ایران کرده بود. پس از اعلام استقلال امارات عربی، در ۲ دسامبر ۱۹۷۱، ایران جز اولین کشورهایی بود که استقلال این کشور تازه تأسیس را به رسمیت شناخت و از همان دوره روابط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پرفرازونشیب دو کشور شکل گرفت. امارات متحده عربی در طول چهار دهه اول تأسیس، یعنی تا سال ۲۰۱۱، رویکرد حصار استراتژیک را در مقابل ایران به‌عنوان منطقی‌ترین گزینه برای مدیریت روابط و جلوگیری از رویارویی مستقیم با ایران دنبال کرد. به‌عنوان یک کشور کوچک، با جمعیتی نسبتاً ناچیز، چندین ملاحظه‌ی به‌هم‌پیوسته، از جمله موقعیت ژئوپلیتیکی، محدودیت قدرت، ظرفیت‌های انسانی محدود و شرایط خاص داخلی، امارات متحده عربی را به حمایت استراتژیک نیازمند کرده است. امارات متحده عربی در منطقه‌ای بسیار استراتژیک و بی‌ثبات، در امتداد ساحل جنوب شرقی خلیج فارس، هم‌مرز با عربستان سعودی و عمان قرار دارد. این کشور با شکل جغرافیایی باریک به‌وسیله‌ی تنگه استراتژیک بسیار مهم هرمز از ایران جدا می‌شود. امارات متحده عربی با توجه به جغرافیای خود و نزدیکی به ایران؛ همواره از برخی احساس‌های تهدیدآمیز عینی که ناشی از وسعت و

جمعیت گسترده ایران است رنج می‌برد (Obeid, 2004). در کنار این، برخی منابع بی-اعتمادی و تنش مانند معمای امنیت، برنامه‌های دفاعی و برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای تهران، رقابت منطقه‌ای ایران با عربستان و روابط نزدیک این کشور با قطر، تنش تاریخی در مورد جزایر سه گانه و حضور جمعیت بالای اتباع ایران در این کشور و هراس از نفوذ شیعی، باعث شده تا امارات متحده، ایران را به عنوان تهدید در نظر گیرد (Davidson, 2009). با تجزیه و تحلیل رفتارهای امارات در برابر ایران، عناصر زیر را می‌توان به عنوان مؤلفه‌های حصار استراتژیک امارات در قبال ایران دانست:

موازنه نرم و تعامل: امارات متحده عربی در طول جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸) به‌طور رسمی بی‌طرف بود و با عمان همکاری کرد تا فرصت‌های میانجی‌گری در جنگ را بررسی کند. با این حال، گزانشکی استاد دانشگاه مسکو معتقد است که حمله عراق به کویت در ۱۹۹۰ منجر به "نزدیکی محتاطانه امارات به ایران" شد (Guzansky, 2015). در همین دوره، ایران معتقد به کاهش تنش‌های منطقه‌ای به جهت آشکار شدن فرصت‌های جدید برای ادغام اقتصادی بود. علاوه بر این، امارات متحده عربی با نیروهای رقیب منطقه-ای تهران، عمدتاً عربستان سعودی و مصر وارد اتحاد شد (Gause, 2010).

امارات متحده عربی از رویکرد دیپلماتیک (توازن نرم) به سمت تهران برای جلوگیری از درگیری مستقیم نظامی یا تنش‌های پرخطر با ایران استفاده کرد. علاوه بر این، این کشور تجارت خود را با تهران گسترش داد. واضح است که امارات عربی حفظ روابط باز تجاری با ایران را به عنوان اصلی‌ترین بیمه‌نامه خود در برابر توهم تهدیدات در نظر گرفته است. در حقیقت امارات متحده عربی سابقه طولانی در تجارت و مراوده با ایران دارد. امارات و به‌ویژه بندر دویی، چندین دهه در تجارت خارجی ایران، که به مرکزی برای اشتغال اتباع ایرانی که در خارج از کشور تبدیل شده، نقش اساسی داشته است. بازرگانان جنوب ایران مهاجرت به دویی را در اوایل قرن بیستم آغاز کردند. پس از آن و با توسعه‌ی این شهر، طبقه متوسط ایران با مهاجرت گسترده به این بندر، مراکز بزرگ جمعیتی از ایرانیان را در این

شهر شکل دادند. به همین دلیل شیخ محمد بن رشید حاکم دویی تصمیم گرفت در سال ۲۰۰۳ بازار محدود املاک و مستغلات دویی را برای اتباع بیگانه باز کند، که امروز جامعه بزرگی را در امارات تشکیل می‌دهد (Sadjadpour, 2011; FRS, 2019). در این دوره روابط تجاری و سرمایه‌گذاری به‌ویژه با خاندان حاکم آل مکتوم دویی که از مراودات با ایران حمایت می‌کردند، رشد چشمگیری یافت (Vakil, 2018). واقعیت آن است که دویی طی دو دهه‌ی گذشته، رویکرد "اول تجارت" را برای مقابله با ایران ترجیح داده است (Sadjadpour, 2011). این شهر به‌عنوان اصلی‌ترین بازار صادرات به ایران، در دوره‌ی تحریم‌ها به تهران خدمت بزرگی کرده است. دویی همچنین به یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری تهران تبدیل شده است که حجم این مراودات در سال ۲۰۱۱ به اوج خود رسید و تا ۲۱٫۵ میلیارد دلار افزایش یافت. بیشتر حجم تجارت دویی با تهران شامل صادرات مجدد کالاهای وارداتی از کشورهای دیگر است. بارونق تجارت امارات و ایران، سازمان‌های زیادی برای کمک به مشاغل ایرانی در امارات ایجاد شده‌اند، از جمله آن‌ها شورای تجارت ایران و کمیته مشترک تجارت امارات و ایران است. این راهبرد تعامل مستقیم به دنبال ایجاد اعتماد متقابل و تشویق همکاری بین دو کشور بود و از این طریق می‌توانست واکنش ایران را شکل دهد. در واقع، "عمل‌گرایی اقتصادی" رایج‌ترین عنصر در سیاست تعامل امارات متحده عربی در قبال ایران بود (Obeid, 2004). امارات متحده عربی با آگاهی از محدودیت‌های قدرت سخت خود، ترجیح می‌داد بن‌بست ایجاد شده در روابط جاری دو کشور در مورد جزایر مورد مناقشه (ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک) را از دیگر موارد دستور کار دوجانبه با تهران، که عمدتاً اقتصادی بود کنار گذارد (Davidson, 2009).

موازنه سخت: اتخاذ سیاست حصار استراتژیک از جانب امارات متحده عربی، واکنشی بود به بحران‌ها و جنگ‌های متعدد منطقه در دهه‌ی ۱۹۸۰. با این حال، امارات مجبور به تغییر

مسیر بود و به نوعی تعادل سخت را در قبال تهران و منطقه اتخاذ کرد. این عوامل در شکل-گیری توازن سخت امارات علیه ایران درگیر است:

- تقویت اتحاد خود با ایالات متحده به عنوان محور اصلی امنیت این کشور
 - اتحاد استراتژیک با عربستان سعودی
 - پیگیری نقش سیاست خارجی بلندپروازانه در منطقه خاورمیانه
 - تقویت و نوسازی توانمندی‌های نظامی و پی‌ریزی دکترین نظامی خود با محوریت آمادگی بیشتر برای استفاده از نیروی نظامی در خارج از مرزها.
- اما چندین نشانه برای این تغییر استراتژی سخت وجود دارد. امارات متحده عربی سیاست-های فعال، محرمانه و گاه مداخله‌گرایانه را در منطقه دنبال کرده است. این کشور با اتحاد ایالات متحده و عربستان سعودی تلاش کرده است تا نفوذ ایران را خنثی کند و بارها این کشور را به ایجاد التهاب، دامن زدن به اختلافات فرقه‌ای و حمایت از تروریسم در منطقه متهم کرده است. رهبران امارات بعد از عربستان سعودی بیشترین تلاش را در متهم کردن تهران به "سیاست‌های تهاجمی" در منطقه داشته‌اند (Ibish, 2017). همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، امارات متحده عربی به غلط ایران و شبکه‌ی متحدان این کشور در یمن، لبنان و عراق را به عنوان تهدید اصلی خود در منطقه می‌پندارد و با وجود منافع گسترده‌ی تجارت با تهران، تلاش کرده است تا با همکاری با متحدان منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای خود، به اثرپذیری تحریم‌ها علیه ایران کمک کند (El-Dessouki, 2018:277-280). در حالی که امارات پس از حمله به سفارت عربستان سعودی در تهران، روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع نکرد، موضع این کشور در قبال ایران، با موضع عربستان سعودی و بحرین هماهنگ بود. این هم‌خوانی سیاسی با ریاض و منامه به قیمت از دست رفتن منافع اقتصادی گسترده برای دومی رخ داده است، که به افزایش روابط بانکی و بازرگانی ایران با عمان و قطر منجر شده است (El-Dessouki, 2017). گفتنی است پیش از اعمال تحریم‌های آمریکا علیه ایران در سال ۲۰۱۸، امارات متحده عربی از نزدیک با دولت ترامپ همکاری داشت تا معاملات

ارزی ایران در دویی را محدود کند. امارات متحده عربی به طور علنی از خروج ایالات متحده از برنامه جامع اقدام مشترک حمایت کرده و با بستن نقل و انتقال پول و تحریم شرکت‌هایی که در خارج از امارات فعالیت می‌کنند، برای محدود کردن مالی ایران همکاری کرده است (Vakil, 2018). حتی گفته می‌شود که لغو توافق هسته‌ای با ایران نشانه تأثیر لابی امارات در واشنگتن است. ابوظبی از سال ۲۰۱۱ تلاش زیادی کرد تا از صادرات مجدد فناوری پیشرفته به تهران جلوگیری کند، زیرا شرکت‌های اماراتی با تحریم و بعضاً فشار از جانب آمریکا روبرو شدند. در حقیقت، نزدیکی جغرافیایی امارات و ایران باعث شده است که بسیاری از شرکت‌های درگیر در دور زدن تحریم‌های ایران، شرکت‌هایی را در دویی تأسیس نمایند. در همین راستا، مقامات امارات متحده عربی فعالیت ۴۰ شرکت اماراتی را به حالت تعلیق درآورده، و چند تبعه‌ی خارجی را که در صادرات دوباره برخی کالاها به گفته خود، حساس به ایران در سال ۲۰۱۲ نقش داشته‌اند را از خاک این کشور اخراج کرده‌اند. دولت همچنین محموله‌های این شرکت‌ها را توقیف کرده است (Al-Rasheed, 2015: 35).

تغییر سیاست امارات متحده عربی

مطمناً، فعالیت‌های مداخله‌گرایانه منطقه‌ای امارات متحده عربی توسط حاکم دو فاکتور این کشور یعنی ولیعهد محمد بن زاید هدایت شده است. با این حال، دو عامل ساختاری دیگر، از جمله تغییر ساختار داخلی و تنش‌های خارجی، ادعای تغییر لحن و عملکرد سیاست امارات در قبال ایران را تکمیل می‌کند. حاکم ابوظبی، خلیفه بن زاید آل نهیان به تدریج و به دلایل مختلف، از جمله شرایط بد جسمانی، از صحنه سیاسی کنار رفت، و در عمل محمد بن زائد به‌عنوان حاکم امارات، قدرت را در دست گرفت. به گفته یانگ، تغییر در رهبری به‌خودی‌خود می‌تواند توضیح دهد که چرا امارات متحده عربی در سیاست خارجی خود پرخاشگرتر شده است (Young 2015:11). محمد بن زائد به‌عنوان یکی از جاه-

طلب‌ترین رهبران خاورمیانه شناخته می‌شود. وی قدرت فعلی خود را تا حد زیادی مدیون همکاری با ایالات متحده است. زائد در واشنگتن نفوذ فوق‌العاده‌ای دارد و امروز و در دولت ترامپ، نفوذ محمد بن زائد در واشنگتن بیش از هر زمان دیگری به نظر می‌رسد. در حقیقت اعضای کابینه‌ی ترامپ بارها مواضع موردحمایت محمد بن زائد در مورد موضوعاتی چون ایران، قطر، لیبی، یمن و اخوان المسلمین اتخاذ کرده‌اند که این نشان از قدرت لابی‌های امارات در واشنگتن است. عامل دیگری که زائد را قادر می‌سازد تا بتواند در سیاست خارجی امارات و بسیاری از مناطق خاورمیانه نقش آفرینی کند، کنترل وی بر ارتش امارات و ظرفیت‌های استراتژیک این کشور است.

علاوه بر این، فراموش نکنیم که محمد بن زائد بودجه حاکمیتی به ارزش ۱,۳ تریلیون دلار، که رقمی بیش از هر کشور دیگری است را در دست دارد. (Kirkpatrick, 2019) محمد بن زائد همواره نسبت به ایران و اخوان المسلمین بدبین بوده است. وی معتقد بود که توازن با ایران مناسب‌ترین وسیله برای مقابله با سیاست‌های منطقه‌ای از نگاه وی توسعه‌طلبانه ایران، به‌ویژه پس از وقایع خاورمیانه به دنبال بهار عربی است. در سطح داخلی، توزیع قدرت در فدراسیون امارات به سمت تمرکز بیشتر و تسلط بیشتر ابوظبی تغییر کرد. به عبارت دیگر امارات متحده عربی در دوران بن‌زائد از نهاده‌سازی فاصله گرفته و به سمت تمرکزگرایی بیشتر گام برداشته است. (Young, 2015:10-12). این روند بعد از سال ۲۰۰۹، زمانی که ابوظبی فرآیند تأمین مالی دیون دویی، که به واسطه‌ی بحران مالی ۲۰۰۸ بروز کرده بود را به عهده گرفت، آغاز شد. در واقع تا آن زمان، دویی همواره با تمرکز قدرت در ابوظبی، و سیاست‌های آن به‌خصوص در مورد ایران مخالف بود. اما اختلاف سیاسی بین دو امارت به تدریج و به دنبال کمک مالی ابوظبی به دویی در سال ۲۰۰۹ کاهش یافت. بسیاری معتقدند که هزینه‌ی این کمک مالی، پذیرش سیاست منطقه‌ای ابوظبی از جانب دویی است که طرفداری از توازن سخت و نگاه منفی به ایران را به دنبال دارد. با جود این که استراتژی امارات متحده عربی فرصت‌هایی را برای حداکثر رساندن منافع این کشور فراهم کرد،

با این حال پویایی منطقه پس از بهار عربی، مانع از تحقق کامل انتظارات ابوظبی شد. جدای از بحران امنیتی که امارات متحده عربی باید در یمن و دیگر مناطق منطقه با آن سروکار داشته باشد، اعتبار این کشور به عنوان بازیگر بالقوه خاورمیانه، که توان ایجاد نظم منطقه‌ای با استفاده از قدرت نرم و بدون ورود در درگیری‌های مستقیم نظامی را دارد، به خطر انداخته است. مهم‌تر از آن، به نظر می‌رسد رهبری امارات به این نتیجه رسیده است که توانایی این کشور در تأثیرگذاری بر منافع و سیاست‌های بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در حال حاضر محدود بوده و با چنین وضعیتی تحریک ایران برای این کشور هزینه‌بر خواهد بود. از همین رو، محدودیت فرصت برای گسترش نفوذ امارات در خاورمیانه و ترس از تحریک احتمالی تهران، ابوظبی را مجبور به بازگشت به سیاست "توازن تنش" می‌کند. به عبارت دیگر، برخی از شاخص‌ها حاکی از آن است که امارات متحده عربی ممکن است به سیاست طولانی‌مدت خود در قبال ایران بازگردد. در دسامبر سال ۲۰۱۸ امارات روابط دیپلماتیک خود با سوریه را ترمیم کرد. همچنین، تجارت بین دو کشور در همان سال به ۱۹ میلیارد دلار رسید. (Reuters, 2018). در ماه می و ژوئن سال ۲۰۱۹، چند کشتی تجاری در خلیج فارس، هدف حملات خرابکارانه قرار گرفتند، و با وجود اینکه برخی کشورها اتهاماتی را متوجه تهران کردند، با این حال ابوظبی ایران را مقصر این حوادث ندانست (England and Kerr, 2019). در همین حال، تهدیدات رو به افزایش انصار الله مبنی بر اقدامات تلافی‌جویانه علیه امارات و حمله‌ی پهبادی علیه تأسیسات نفتی عربستان را می‌توان یکی از عوامل مهم تغییر سیاست‌های امارات نسبت به ایران دانست. این عوامل می‌تواند توضیحی باشد برای اینکه چرا اندکی پس از حادثه دوم حمله به نفت‌کش‌ها، مقامات امارات متحده عربی طی سفری بی‌سابقه به ایران، در مورد امنیت دریایی در خلیج فارس به بحث و تبادل نظر پرداختند (DeLozier, 2019). در ژوئیه ۲۰۱۹، امارات تصمیم به خارج کردن بخش عمده‌ای از نیروهای خود از یمن کرد، که نمود نگرانی رهبری امارات و تغییر استراتژی "نظامی" خود به رویکرد "دیپلماتیک" سابق است. این

عقب‌نشینی برای ماه‌ها بی‌سروصدا اتفاق افتاده است (Harab, 2019). به نظر می‌رسد که توافق‌نامه استکهلم، که در دسامبر ۲۰۱۸ امضا شد، ابوظبی را بیش‌ازپیش به عقب‌نشینی از خاک یمن ترغیب کرد، به این دلیل که تمرکز را از راه‌حل‌های نظامی، به مذاکره سوق داد (DeLozier, 2019). بسیاری از مفسران معتقدند که این عقب‌نشینی، نگرانی‌های عمیق امارات متحده عربی را در مورد موضع بین‌المللی این کشور در میان انتقادات گسترده از تعداد بالای غیرنظامیان کشته‌شده در جنگ یمن نشان می‌دهد. فراموش نکنیم که امارات متحده همواره در تلاش بوده، تا جایگاه خود را به‌عنوان کشوری امن برای اقامت و سرمایه‌گذاری‌های خارجی تثبیت نماید (Dorsey, 2019) یکی از دیپلمات‌های سابق آمریکا در این خصوص اظهار داشته است که این عقب‌نشینی "به‌شدت عمل‌گرایانه است"، و نشان از این موضوع است "که [امارات] دیگر نمی‌تواند از نظر نظامی، مالی و مهم‌تر از همه سیاسی در بن‌بست خونین فعلی یمن ایستادگی کند" (DeLozier, 2019) اگرچه ابوظبی در مأموریت کلی خود در حفاظت از منافعش در جنوب یمن تا حدودی موفق بود، اما بدیهی است که این کشور نمی‌تواند به نظامی‌سازی سیاست‌های خود ادامه دهد. از طرفی این کشور توانایی‌های نظامی محدودی دارد و استخدام سربازان خارجی برای جبران فقدان نیروی انسانی، منجر به افزایش هزینه‌ها و در نتیجه افزایش فشار داخلی است. علاوه بر این، استفاده از مزدوران نظامی، حمایت از غیرنظامیان را با مشکل مواجه کرده است. این در حالی است که عفو بین‌الملل بارها ائتلاف را به خاطر وخامت اوضاع بشردوستانه در یمن مقصر دانسته است (Ragab, 2017).

امارات متحده عربی از زمان تأسیس در سال ۱۹۷۱، باهدف جلوگیری از رویارویی مستقیم با دیگر کشورها و حفظ استقلال این کشور، سیاست‌های محتاطانه‌ای را در قبال ایران دنبال کرد. ابوظبی در قبال تهران از رویکرد دیپلماتیک (توازن نرم) و رویکرد "اول تجارت" برای جلوگیری از منازعات احتمالی نابرابر استفاده کرده است. برای چندین دهه، حصار استراتژیک باعث شد تا ابوظبی در سیاست‌های امنیتی خود موفق عمل کند. اما در پی بیداری عربی، این کشور به سمت یک سیاست خارجی فعال‌تر، مؤثرتر و با رویکرد "سخت‌تر" در منطقه تغییر مسیر داده است. حصار استراتژی امارات متحده عربی در قبال ایران، حداکثر بهره‌وری سیاسی و اقتصادی را از همکاری با ایران و کاهش ریسک‌های امنیت ملی، درعین حال حفظ روابط پایدار و سودمند با دیگر قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی را برای این کشور به ارمغان آورد. مهم‌تر از آن، حصار استراتژیک مانع از رویارویی مستقیم نظامی با ایران می‌شود. با این وجود، استراتژی توازن سخت، تأثیرات منفی داشته و از همه مهم‌تر می‌توانست به تحریک تهران منجر شود. برخی از نشانه‌های نه‌چندان واضح، از جمله خروج نیروهای اماراتی از برخی مناطق یمن، برقراری روابط با دولت سوریه و گرایش‌های نسبی به ایران وجود دارد که امارات متحده عربی در حال بازگشت به استراتژی موردعلاقه خود یعنی راهبرد توازن خطر یا حصار استراتژیک است. پیامدهای بهره‌گیری امارات عربی از این استراتژی، ارائه نوعی بیمه ژئوپلیتیک برای این کشور است و تأثیر بهره‌گیری از این راهبرد برای این کشور امیدوارکننده است. با این وجود، استفاده از این استراتژی مملو از عوارضی از جمله ایجاد معضل امنیتی و رقابت منطقه‌ای است که می‌تواند به سمت بی‌ثباتی منطقه‌ای تغییر کند. در یک نگاه کلی، رفتار سیاست خارجی این کشور نسبت به ایران عبارت بوده است از:

توازن نرم: که بیشتر شامل مشارکت در سازمان‌های چندجانبه و همچنین توسعه روابط با قدرت‌های منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ برای خنثی کردن یا تضعیف سیاست‌های ایران و

جلوگیری از تلاش‌های این کشور برای به‌زعم ابوظبی تحمیل هژمونی بر منطقه است (Goh 2016: 8).

نزدیکی: که معطوف به مشارکت مستقیم امارات متحده عربی با ایران در سطوح سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است و به دنبال پیشبرد راهبردی است که به قوانین و ضوابط بین‌المللی پایبند باشد و تنش‌ها با تهران را به حداقل برساند (Steff & Khoo, 2014).

توازن سخت: که شامل توسعه توانایی‌های نظامی امارات متحده عربی برای جلوگیری از اقدامات احتمالی ایران و تشکیل اتحاد با قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای، از همه مهم‌تر ایالات متحده آمریکا و عربستان سعودی است، که به‌عنوان وزنه‌ی تعادل در برابر نقش منطقه‌ای ایران عمل کند و یا سهمی در اختیار آن‌ها بگذارد و یا نظم منطقه‌ای باثبات را به این کشور عرضه دارد. با پیگیری این راهبرد، امارات که ایران را بزرگ‌ترین تهدید منطقه‌ای خود می‌داند، هم‌زمان با حفظ روابط تجاری و دیپلماتیک خود را با تهران، اتحادهای نظامی و امنیتی خود با عربستان سعودی و آمریکا گسترش داده است. مهم‌تر از همه، امارات تمام تلاش خود را برای جلوگیری از رویارویی آشکار با ایران به کار گرفته است (Vicunõa, 2015). با این حال، از زمان وقوع خیزش‌های عربی در سال ۲۰۱۱، امارات راهبرد خود را به سمت دنبال کردن استراتژی "توازن سخت" در قبال ایران تغییر داده است. ابوظبی علاوه بر درگیر شدن در توازن سخت خارجی (تقویت اتحاد خود با عربستان سعودی و ایالات متحده در برابر تهران)، بر تقویت توازن سخت داخلی نیز تمرکز داشته و توانایی‌های نظامی خود را گسترش داده است (Collier 2011: 824).

منابع

- Al-Mashat, A.-M. (2008), "Politics of constructive engagement: the foreign policy of the United Arab Emirates", in Korany, B. and Dessouki, A.E. (Eds), *The Foreign Policies of Arab States: The Challenge of Globalization*, American University in Cairo Press, Cairo.
- Al-Rasheed, M., et al. (2015), "Saudi Arabia's foreign policy: loss without gain?", in Young (Ed.) *The New Politics of Intervention of Gulf Arab States*, LSE Middle East Centre, London, *Collected Papers*, Vol. 1.
- Bergman Ronen and Hubbard Ben "Israel Announces Partnership With U.A.E., Which Throws Cold Water On It", *New Yourk Times*, June 25, 2020, Available at:
<https://www.nytimes.com/2020/06/25/world/middleeast/israel-united-arab-emirates-coronavirus.html>
- Bmi, B.M. (2015), "Political risk analysis – the end of soft diplomacy", available at:
<https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/REPS-09-2019-0124/full/html>
- Boon, H.T. (2016), "The hedging prong in India's evolving China strategy", *Journal of Contemporary China*
- CIA World Factbook, 2018 available at:
<https://www.perlego.com/book/957409/the-cia-world-factbook-20182019-pdf>
- Collier, D. (2011), "Understanding process tracing", *Political Science and Politics*, Vol. 44 No. 4.
- Davidson, C.M. (2009), "Dubai and the United Arab Emirates: security threats", *British Journal of Middle Eastern Studies*, Vol. 36 No. 3, p. 437.
- DeLozier, E. (2019), *UAE Drawdown May Isolate Saudi Arabia in Yemen*. POLICY WATCH 3148, The Washington, DC Institute, policy analysis, available at: www.washingtoninstitute.org/policyanalysis/view/uae-drawdown-in-yemen-may-isolate-saudi-arabia
- Dorsey, J.M. (2019), *The UAE Withdraws from Yemen*, BESA Center Perspectives. available at: <https://besacenter.org/perspectives-papers/uae-yemen-withdrawal/>

- Drysdel, Alysdeyr & Blake, GerRard. H (1990); Middle East and North Africa geopolitics, Translated to Persian by: Dorreh Mirheydar, Political and International Studies Office of foreign affairs ministry, Tehran
- El-Dessouki, A. (2017), "UAE foreign policy in transition", FEPS Journal, Vol. 18 No.2.
- El-Dessouki, A. (2018), "The internal and external roles of Iraqi popular mobilization forces", African Journal of Political Science and International Relations, Vol. 11 No. 10.
- England, A. and Kerr, S. (2019), "US sanctions put chill on Iranian trade with UAE", Financial Times, available at:
<https://www.ft.com/content/bbe3c99a-ae9-11e9-8030-530adfa879c2>
- Erdbrink Thomas, "A Tiny Island Is Where Iran Makes a Stand", New Yourk Times, April 30, 2012, Available at:
<https://www.nytimes.com/2012/05/01/world/middleeast/dispute-over-island-of-abu-musa-unites-iran.html>
- Fattah, Zeinab, "Risk of Iran Conflict Forces U.S. Gulf Ally to Rethink Policy", Bloomberg, August 1, 2019, Available at:
<https://www.bloomberg.com/news/articles/2019-07-31/iran-crisis-forces-u-a-e-rethink-of-its-regional-entanglements>
- Foroohar Kambiz, "Dubai Helps Iran Evade Sanctions as Smugglers Ignore U.S. Laws", Feb 06, 2019, Bloomberg, Available at:
<https://www.bloomberg.com/news/articles/2010-01-25/dubai-helps-iran-evade-sanctions-as-smugglers-ignore-u-s-laws>
- Friedman Brandon, "Beyond Fraternity: The Kingdom of Saudi Arabia and the United Arab Emirates (UAE)", Foein Policy Reasearch Institue, 1 Oct 2016, Available at: <https://www.fpri.org/article/2016/10/beyond-fraternity-kingdom-saudi-arabia-united-arab-emirates-uae/>
- FRS (Foundation pour la rechrche Strategique) (2019), "Update on trade relations between UAE/Iran and Qatar/Iran", April, available at:
- Gaurdian, "Saudi Arabia urges US attack on Iran to stop nuclear programme", Sun 28 Nov 2010, Available at:
<https://www.theguardian.com/world/2010/nov/28/us-embassy-cables-saudis-iran>

- Gause, F.G. (2010), "Balancing what? Threat perception and alliance choice in the gulf", *Security Studies*, Vol. 13 No. 2.
- Geopolitics and International. Boundaries, Research Center, University of
- George, A.L. and Bennett, A. (2004), *Case Studies and Theory Development in the Social Sciences*, MIT Press, London, Cambridge.
- Gindarsah, I. (2019), "Strategic hedging in Indonesia's defense diplomacy", *Defense and Security Analysis*, Vol. 23 No. 4, pp. 181-185.
- Goh, E. (2016), "Southeast Asian strategies toward the great powers: still hedging after all these years?", *The Asan Forum*, Vol. 7 No. 5, Retrieved from Washington: East-West Center, available at: <http://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.554.1497&rep=rep1&type=pdf>
- Guzansky, Y. (2015), "The foreign-policy tools of small powers: strategic hedging in the Persian Gulf", *Middle East Policy*, Vol. XXII No. 1, p. 120.
- Harab, I.K. (2019), "Why the United Arab Emirates is abandoning Saudi Arabia in Yemen", Retrieved from foreign policy, available at: <https://foreignpolicy.com/2019/08/01/why-the-united-arab-emirates-is-abandoning-saudi-arabia-in-yemen/>
- Hernandez, M. (2019), "US, UAE enter new defense cooperation pact", Retrieved from Anadolu Agency, available at: <https://www.aa.com.tr/en/americas/us-uae-enter-new-defense-cooperation-pact/1492622>
- Ibish, H. (2017), *The UAE's Evolving National Security Strategy*, The Arab Gulf States Institute, Washington, DC, available at: <https://agsiw.org/uaes-evolving-national-security-strategy/>
- Kahwaji, R. and Khan, S. (2014), "Success of the UAE defense strategy: achievements and outlook. Institute for near east and Gulf military analysis/INEGMA", available at: www.inegma.com/downloads/reports/NationalDay2014/blast/National (accessed 22 June 2019).
- Katzman, K. (2018), "The United Arab Emirates (UAE): issues for U.S. policy", Congressional Research Service (RS21852), available at: <https://fas.org/sgp/crs/mideast/RS21852.pdf> (accessed 12 July 2019).

- Katzman, K. (2019), The United Arab Emirates (UAE): Issues for US policy, Congressional Research Service (accessed May 2019).
- Kirkpatrick, D.D. (2019), "The most powerful Arab ruler isn't M.B.S. It's M.B.Z", The New York Times, June 2, 2019, available at: <https://www.nytimes.com/2019/06/02/world/middleeast/crown-prince-mohammed-bin-zayed.html>
- Koga, K. (2017), "The concept of hedging revisited: the case of Japan's foreign policy strategy in East Asia's power shift", International Studies Review.
- March Nick, "Iran's actions over Abu Musa and Tunb islands tell us everything about its regional designs", The National, May 29, 2019, Available at: <https://www.thenationalnews.com/opinion/comment/iran-s-actions-over-abu-musa-and-tunb-islands-tell-us-everything-about-its-regional-designs-1.867708>
- Mason, R. (2018), "Breaking the mold of small state classification? The broadening influence of United Arab Emirates foreign policy through effective military and bandwagoning strategies", Canadian Foreign Policy Journal, Vol. 24 No. 1, pp. 96-97.
- Mearsheimer (1998) The Tragedy of Great Power Politics. N.K.: Norton, Princeton, N.J. Princeton
- Medeiros, E.S. (2005-06), "Strategic hedging and the future of Asia Pacific stability", The Washington Quarterly, Vol. 29 No. 1, pp. 147-157.
- Mojtahedzadeh, Pirouz; Iran's Role in the Strait of Hormouz 1970-1990,
- Newton Creede, "Mueller probe: Who is George Nader, convicted paedophile?", Aljazeera, 6 Apr 2018, Available at: <https://www.aljazeera.com/news/2018/04/06/mueller-probe-who-is-george-nader-convicted-paedophile/>
- Obeid, N.A. (2004), The United Arab Emirates Policy: Theory and Practice, University Institution for Studies and Publication, Beirut.
- Porter, Gareth (2010). "Documents Show NYT and Washington Post Shilling for US Government on Iran Missile 'Threat' — Wikileaks Exposes Complicity of the Press" Archived 2010-12-04 at the Wayback Machine. CounterPunch. Retrieved 12 December 2010.

- Ragab, E. (2017), "Beyond money and diplomacy: regional policies of Saudi Arabia and UAE after the Arab spring", *The International Spectator*, Vol. 52 No. 2, pp. 40-42.
- Ramani Samuel, "Israel Is Strengthening Its Ties With The Gulf Monarchies", Sep 13, 2017, huffpost, Available at: https://www.huffpost.com/entry/why-israel-is-strengthening_b_11946660
- Reuters (2018), "UAE reopens Syria embassy in boost for Assad", available at: www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-syria-emirates/uae-reopens-syria-embassy-a-boost-for-assad-idUSKCN1OQOQV (accessed 5 December 2019).
- Rugh, Andrea B. (2007), *The political culture of leadership in the United Arab Emirates*, New York, N.Y: Palgrave Macmillan .
- Sadjadpour, K. (2011), *The BATTLE OF DUBAI: The United Arab Emirates and the US-Iran Cold War*, Middle East, Carnegie Endowment for International Peace, pp. 7-9.
- Safavi, Saed Hamze,(2016) "United Arab Emarate" , Islamic Country Collection, Published by IIWFS & Jihad Daneshgahi [In Persian]
- Salman, M. and Geeraerts, G. (2015), "Strategic hedging and China's economic policy in the Middle east", *China Report*, Vol. 51 No. 2, pp. 102-105.
- Samuel Ramani, "Russia and the UAE: An Ideational Partnership", 25 April 2020, Middle East Policy Available at: <https://mepc.org/journal/russia-and-uae-ideational-partnership>
- Sherwood, L. (2016), "Small states' strategic hedging for security and influence", Retrieved from Trends Research and Advisory, available at: <https://trendsresearch.org/insight/small-states-strategic-hedging-for-security-and-influence/>
- Staff john, "Israel and UAE Fly Together", *The Tower*, 04.11.19, Available at: <http://www.thetower.org/7237-israel-and-uae-fly-together-in-joint-aerial-exercise-in-greece/>
- Steff, R. and Khoo, N. (2014), "Hard balancing in the age of American unipolarity: the Russian response to US ballistic missile defense during the Bush administration (2001-2008)", *Journal of Strategic Studies*, Vol. 37 No. 2, pp. 223-225.

Tessman, B.F. (2012), "System structure and state strategy: adding hedging to the menu", *Security Studies*, Vol. 21 No. 2, pp. 167-169.

Trofimov Yaroslav, "America's Mideast Allies Want to Sit Out Iranian-U.S. Confrontation", Jan. 7, 2020, *Wall Street Journal*, Available at: <https://www.wsj.com/articles/u-s-mideast-allies-brace-for-blowback-from-iranian-generals-killing-11578436178>

Vakil, S. (2018), "Iran and the GCC hedging", *Pragmatism and Opportunism, Middle East and North Africa Programme*, Chatham House.

Vicunña, R.L. (2015), "Catalan paradiplomacy, secessionism and state sovereignty", in University, L., (Ed.) *The Effects of the 2006 Statute of Autonomy and the Artur Mas Government on Catalan Paradiplomacy*, Faculty of social and behavioural sciences, Institute of political science.

World Development Indicators: Freshwater, "United Arab Emarate", 2019, Available at: <http://wdi.worldbank.org/table/3.5>

Young, K.E. (2015), "Foreign policy analysis of the Gulf Cooperation Council: breaking black boxes and explaining new interventions", in *The New Politics of Intervention of Gulf Arab States*, LSE Middle East Centre, London, Vol. 1.